

صراط



«جدل احسن» و روشمندی آن در سیره اهل بیت (ع)

برای تمدن‌سازی راهی جز مناظره و مشاوره نیست

نبايد از «آزادی» ترسيد و از «مناظره» گريخت و «تقد و انتقاد» را به كالای قاچاق و يا امري تشریفاًتي تبديل كرد چنانچه نبايد به جای مناظره، به «جدال و مراء»، گرفتار آمد و به به جای آزادی، به دام هتاکي و مسئولیت‌گریزی لغزید. آن روز که سبهم «آزادی»، سبهم «اخلاق» و سبهم «منطق»، همه یکجا و در کنار یکدیگر ادا شود، آغاز روند خلاقیت علمی و تفکر بالنده دینی در این جامعه است و

اندیشه



مناظره نیست و بدون فضای انتقادی سالم و بدون آزادی بیان و گفت‌وگوی آزاد با «حمایت حکومت اسلامی» و «هدایت علما و صاحبانظران»، تولید علم و اندیشه دینی و در نتیجه، تمدن‌سازی و جامعه‌پردازی، ناممکن یا بسیار مشکل خواهد بود.

پاسخ رهبر معظم انقلاب اسلامی به نامه جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه ۸۱/۱۱/۱۶

تحلیل محسن مطلق

مناظره را می‌توان یکی از بارزترین شیوه‌های اثبات یازگانهی خدا و حقانیت

دین به حساب آورد که قرآن کریم نیز به آن اشاره کرده است. آیه شریفه «اذْعِ اِلَی سَبِیْلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِی هِیْ اَحْسَنُ» به همین موضوع اشاره دارد و بازگوکننده دستور الهی در خصوص مباحثه علمی با شیوه حکمی و پندگونه و برهان آوردن در مقابل معارضان و مخالفان دین است. در قصص قرآن کریم، مجاحه جدلی با مخالفان به عنوان یکی از شیوه‌های تبلیغی ائمه اطهار(ع) بیان شده است؛ کمالینکه حضرت ابراهیم (ع) برای تبلیغ توحید، با گروه‌های ستاره پرست بر اساس روش خود آنها و همراهی آنان، استدلال و منطق ایشان را زیر سؤال می‌برد.

سیره اهل بیت(ع) نیز مؤید اهمیت این‌س روش در اثبات حقانیت مدعی دینی است. زندگی امامان نشان می‌دهد، ایشان گرچه در قالب‌های مختلف مانند بیان حدیث، تربیت شاگردان و تشکیل حوزه‌های تعلیماتی، از اسلام دفاع می‌کردند، اما در جایی که فضا برای طرح بحث مباحث مخالفان یا صاحب‌خردان سایر مکاتب فراهم می‌شد، ایشان ابایی از گفت‌وگو با منتقدان مکتب نداشتند و خود را پاسخگوی آنان می‌دیدند. لذا مناظره امامان یکی از مهم‌ترین منابعی است که توسط آن می‌توان به چارچوب فکری و برهانی تشیع پی برد.

■ شرایط مناظره در سیره رضوی

الف) هدف مناظره: هدفی که در سیره اهل بیت(ع) از مشارت در قرآن و ائمه اطهار(ع) انتخاب طرف مورد مناظره جدال احسن به منظور اثبات حقانیت تفکر شیعی است. هدفی که گزارش‌های روایت شده از ائمه – از جمله امام صادق، امام رضا و امام جواد(ع) – نشان می‌دهد همین هدف مورد انتظار بوده است، اما این هدف نیازمند لوازم و ابزارهایی است که در ادامه اشاره شده است.

ب) لوازم جدال احسن:

۱- طرف مناظره: یکی از مهم‌ترین اصول مناظره عقلی در سیره قرآن و ائمه اطهار(ع) انتخاب طرف مورد مناظره است. یکی از ویژگی‌های مهم افراد مناظره‌کننده که اصل مناظره و احتجاج را از جدلی‌های لفظی و بی‌هدف متمایز می‌سازد، آن است که صرفاً مناظرات میان افرادی صورت پذیرد که در پی حقیقت هستند و نه تحمیل عقاید خود یا تحقیر طرف مقابل. ائمه(ع) هم خود به این شیوه پایبند بودند و هم در احتجاجات علمی ایشان می‌توان طرفین مباحثه ایشان را افرادی یافت که غالباً در پی کسب حقیقت، به مناظره و پرسشگری روی آورده‌اند. در مناظرات علمی حضرت ثامن الحجج افرادی که روحیه حق‌پذیری بیشتری داشتند و حقیقتاً به دنبال یافتن پاسخ برای پرسش خود بودند، فرصت ویژه‌تری را نسبت به افراد سطحی و جدلی‌پریشان می‌یادند.

قرآن کریم نیز در یکی از آیات، مناظره را به افرادی توصیه می‌نماید که اهل پذیرش حقیقت باشند و نه هیجوان و ستم‌پیشگان: «وَلا تُجادِلوا اَهْلَ الکتاب اِلاّ بِالَّتِی هِیْ اَحْسَنُ اِلّا الذّین ظَلَموا مِنْهُمْ وَ قُولوا اَمّا بِالَّذِی اَنْزَلْنا وَاَنْزَلَ اِلَیْکُمْ وَاِلَیْنا وَاِلَیْکُمْ وَاِجِدْ وَ نَحْنُ لَهْ مُسْلِمُونَ»؛ و شما مسلمانان یا اهل کتاب بیهود و نصاری و مجوسی جز به نیکوترین طریق طریق بحث و مجادله مکنید؛ مگر با ستمکاران از آنها، و با اهل کتاب بگویید که ما به کتاب آسمانی قرآن از بر ما نازل شده و به کتب آسمانی شما به همه ایمان آورده‌ایم، و خدای ما شما یکی است و ما تسلیم و مطیع فرمان اویم. (عنکبوت ۴۶)

۲- علمی بودن مناظرات: مناظره لازم است بر پایه علم و به دور از هرگونه جدال مغالطه آمیز صورت پذیرد. امام رضا(ع) نه تنها خود به این مهم پایبند بودند بلکه در ابتدای مناظرات خود از طرف مقابل می‌خواستند از هرگونه خلط محبت‌پریزی‌زند. همانگونه که به عمران صائبی فرمودند: «ز

مغالطه و ستمگری در بحث آپیش‌رو آپیرهیز.» همچنین در تناظر علمی به‌اصولی اشاره می‌شود که جزو مشهورات یا مقبولات طرفین باشد. امام نیز به این مسئله توجه داشتند و برای افقاع طرف مقابل از منابع و مشهورات مورد قبول خود او استفاده می‌کردند. تسلط ایشان به منابع اهل کتاب حتی گاه بیش از خود پیشوایان این ادیان بود به گونه‌ای که مکرراً از احاطه ایشان به موضوعات و مدعیات این کتب، متحیر می‌شدند.

به عنوان نمونه، مناظره امام رضا(ع) با جاثلیق مسیحی با رعایت همین اصل و بر پایه مقبولات طرف مقابل است. حسب روایت، جاثلیق در پاسخ به مأمون که وی را برای احتجاج علمی بر امام رضا(ع) به مناظره طلبید، چنین می‌گوید: «ای امیرمؤمنان! چطور با مردی احتجاج کنم که او با من با کتابی احتجاج می‌کند که من، منکر آن هستم و با پیامبری که من به او ایمان ندارم.» در اینجا حضرت ثامن الحجج پاسخ می‌دهند: «ای مسیحی، اگر من با تانجیبت با تو احتجاج کنم، آیا اقرار می‌کنی؟» جاثلیق پاسخ می‌دهد: «یا من توان دارم آنچه را که انجیل به آن نطق کرده، انکار کنم؟ آری، به خدا بر خلاف میل اقرار می‌کنم!»

از لوازم احتجاج با طرف مناظره علمی، با منابع وی تسلط به این منابع است؛ کما اینکه در همین مناظره، امام رضا(ع) با قرأت بخش‌هایی از انجیل، نشان می‌دهد که مسلط به متن و محتوای این کتاب است. ایشان پس از قرأت انجیل به جاثلیق می‌گوید: «ای مسیحی! تو را به حق عیسی و مادرش سوگند می‌دهم، آیا متوجه شدی که من به آنچه اگهم؟» و بزرگ مسیحیان این مسئله را تصدیق می‌کنند.

۳- اخلاقی مناظره: یکی از موارد غیرت‌آموز در سیره رضوی و با تأمل و مطالعه در مناظرات ایشان، کیفیت رعایت اخلاق

و مناظره است.

یکی از این اصول اخلاقی، اعطای آزادی بیان به طرف مناظره است که سیره رضوی نشان‌دهنده اهتمام امام در رعایت حق پرسشگری طرف مقابل و بیان مدعیات خود است. این مسئله در مناظره‌های علمی امام هشتم کاملاً

قابل مشاهده است. به عنوان مثال ایشان در گفت‌وگو با عمران صائبی، ساعت‌ها بحث را ادامه دادند و تا پایان یافتن



پرسش‌های پر تعداد وی، دست از مناظره نکشیدند. وجود ظرفیت‌استماع سخن طرف مقابل با دقت و طرح بی‌هراس و واگمه –آن‌هم در جایگاهی که اغلب در شرایط مناظرات مهمی که از ائمه نقل شده است؛ از نظر وضعیت اجتماعی یا قدرت سیاسی، امامان حسب‌ظاهر در موضوع برتر بوده‌اند- و پاسخ‌دهی به آن با سعه صدر نشان می‌دهد یکی از مقدمات اخلاقی اولیه برای هر نوع گفت‌وگوی علمی، تحمل شنیدن نظر مخالف و عدم بافرورختگی در مقابل ادعاهای باطل است.

همچنین در سیره جدلی حضرت رضا(ع)، چنین مشخص است که ایشان هیچ‌گاه نکوشیدند تا مطلب حق خود را به طرف مقابل تحمیل نمایند و تا جایی که فرد مقابل، خود به نتیجه می‌رسید، پاسخ‌دهی را ادامه می‌دادند و از مناظره دست نمی‌کشیدند.

حسن معاشرت و خوش خلقی، سعه صدر در پاسخگویی، استفاده از بیان لطیف و صنایع هنری سخن از جمله موارد دیگری است که می‌توان از روح مناظرات حضرت با مخالفان به خوبی دریافت.

■ شرایط جامعه و مناظرات کلامی رضوی

دوران امامت حضرت علی بن موسی الرضا(ع) از نظر رواج بحث آزاد پیرامون عقاید و گفت‌وگو‌های میان دینی، دوره خاص است. دورانی که محوریت حرکت علمی نیز توسط امام در مروج و سایر شاگردانشان در سایر بلاد صورت می‌گیرد. در اینکه دوران ولیعهدی امام رضا(ع) در حکومت عباسیان بیشتر از علم حلیت و با مباحثات پر تعداد امام و مدعیان گزارش شده است مورخین را به سوی چند حدس در خصوص مأمون هدایت کرده است: اول: فرض خوش‌بینانه عالم و دانشمند بودن شخص مأمون و علاقه‌وی به مباحث و نشست‌های علمی؛ دوم: تلاش وی برای پررنگ

مناظره‌ها لازم است بر پایه علم و به دور از هر گونه جدال مغالطه آمیز صورت پذیرد.

امام رضا(ع) نه تنها خود به این مهم پایبند بودند بلکه در ابتدای مناظرات خود از طرف مقابل می‌خواستند از هر گونه خلط محبت‌پر هیزند. همانگونه که به عمران صائبی فرمودند: «از مغالطه و ستمگری در بحث آپیش‌رو آپیرهیز.»

کردن مباحث اختلافی و شبیهات گسترده کلامی؛ سوم: برنامه‌ریزی برای کاهش وجهه علمی امام رضا(ع) با مقابل نمودن ایشان و بزرگ‌ترین دانشمندان ادیان آن روزگار.

به هر حال فضای مباحثه علمی در این دوران شکل گرفت و امام(ع) با شیوه کنترل و هدایت این جلسات، گنجینه‌ای از آداب گفت‌وگوی علمی و کلامی را به جای گذاشت که شایسته است در حال حاضر نیز از این شیوه رضوی استفاده

لازم برای بیان معارف دینی صورت گیرد. این مناظرات طبق روایات –که غالباً در عیون اخبار الرضا- نقل شده‌اند، حداقل در ۱۰ مورد گزارش شده است که عبارتند از: ۱- مناظره امام(ع) با جاثلیق، رئیس اسقف‌ها و عالم بزرگ مسیحی وقت ۲- مناظره با راس الجالوت، پیشوای بزرگ یهودیان وقت ۳- مناظره با عمران صائبی (بزرگ صائبیان و پیروان یحیی نبی) ۴- مناظره با هیرید بزرگ، پیشروای اعظم زرتشتیان ۵- مناظره با سلیمان مروزی متکلم مرو پیرامون مسئله توحید و «اراده‌الهی» ۶- مناظره با علی بن محمد بن جهم در مورد مسئله عصمت انبیا ۷- مناظره با عالمان عراق و خراسان در خصوص «عترت» ۸- مناظره در حضور مأمون پیرامون آیات قرآن و نبیود ارائه تمسیر صحیح از آیات ۹- مناظره با گروه‌های غالی(غلوکننده درباره مقام ائمه) و ررداعای ایشان و ۱۰- مناظره با یحیی بن ضحاک در موضوع امامت.

در همه این مناظرات امام رضا(ع) هیچ‌گاه با درشتی و از موضع نهمه‌پسود، از طرفی رواج تفکر معتزلی در دوران مقابل خواست تا به بیان سبائل و ادعای خود بپردازد.

■ فرجام سخن

دوران زندگی حضرت رضا(ع) از نظر رواج و تنوع فرقه‌های دینی و مذهبی دوره کم‌نظیری است و گرچه آزادی نسبی در ارائه نظرات صاحبان مکاتب غیرمسلمان، جالش‌هایی را متوجه مسلمانان می‌ساخت، اما در کنار این، ظرفیتی ویژه برای گفت‌وگوی بین دینی و اثبات حقانیت دین اسلام فراهم نموده‌بود. از طرفی رواج تفکر معتزلی در دوران حیات امام رضا(ع) -که برخی مأمون را نیز معتزلی مسلک می‌دانند- جواز تعقل در میانه دین و خردورزی در مسائل کلامی و فلسفی مرتبط با خدانشناسی و هستی‌شناسی را با پرهیز از تعصب افراطی فراهم نموده بود و در چنین فضایی، حضرت ثامن الحجج(ع) از ظرفیت ایجاد شدن، برای تبیین میزان عقلانیت اسلام و مکتب اهل بیت، بهترین استفاده را برد.

مناظره، یکی از بهترین روش‌های تقابل فکری و اثبات حقانیت مدعا است که امام رضا(ع) به روایت تاریخ، مکرراً از این شیوه برای مجاحه با مخالفان استفاده نمود و حتی به تربیت افرادی ماهر در منطق جدلی پرداخت که بتوانند در سایر مناطق نیز به گفت‌وگو با مخالفان بپردازند. تسلط کامل حضرت در این مناظرات و شیوه اثبات حقانیت دین و اصول آن سبب فروماندن مدعیان مناظره از پاسخگویی به حضرت باعث گرویدن هزاران نفر از مسلمانان به دین ایشان گردید، به طوری که فقط در خراسان یکی از فعال‌ترین مراکز ترویج اسلام و تشیع به برکت حضور ایشان شکل گرفت.

از نتایج مناظرات محکم کلامی ایشان و تسلیم همه مناظره‌کنندگان با حضرت در برابر منطق و پاسخ‌های پاسخ ایشان، می‌توان نتیجه گرفت «جدل احسن» همانگونه که در قرآن چندین مرتبه به آن اشاره شده است، یکی از بهترین راه‌ها برای ارائه اندیشه‌های دینی و آموزه‌های مکتبی و ممانعت از شبهات رایج درباره مسائل دینی است که اگر با اصول اخلاقی و علمی که در سیره اهل بیت(ع) نمایش داده شده است، صورت پذیرد، می‌تواند بستری مناسب برای ترویج مذهب و زوددن تفکرات انحرافی باشد؛ به‌طوری‌که نه تنها نباید نسبت به آن غفلت ورزید و از آن دوری گزید، بلکه می‌توان با ترغیب صاحبان مکاتب و اندیشه‌های معارض –که می‌تواند با صاحبان اندیشه‌های مختلف درون مذهبی، درون دینی، میان دینی و حتی برون دینی باشد- اقدام‌سازی فضایی فکری به دور از جنجال و سطحی‌نگری برای بیان نظرات متفاوت، زمینه‌ای برای رشد عقلی مسلمانان فراهم نمود که شاید با هیچ روش دیگری قابل مقایسه نباشد.

درنگ



حجت‌الاسلام رضا غلامی تشریح کرد

مؤلفه‌های اساسی زیرساخت جامعه اسلامی

مطلوب، خانواده یکی از مهم‌ترین و ارزشمندترین نهادهای اجتماعی است که می‌تواند علاوه بر ایجاد پایه استقرار خیلی از مؤلفه‌های اجتماعی، توفیق اصلاحات اجتماعی را تضمین کند.

■ شایسته‌سالاری

جامعه اسلامی مطلوب، جامعه‌ای است که افراد شایسته و ذی‌صلاح زمام امور جامعه را عهده‌دار باشند. شایسته‌سالاری نه فقط در ایجاد یک جامعه مطلوب مؤثر است بلکه امکان صیانت از شایسته‌سالاری را نیز فراهم می‌کند.

اگر به جوامع بر آسیب مراجعه کنید، حتماً یکی از مناشی آسیب‌ها در آن جوامع و یا دلیل اصلی ناتوانی آنها در مقابله با آسیب‌ها به حاکمیت افراد ناشایست و ناتوان در آن جوامع برمی‌گردد. پیامبر

گرامی اسلام(ص) می‌فرمایند: «ذا وَوَسَّدَ الْأَمْرَ اِلَی غَیْرِ اَهْلِهِ فَانْتَهَبَ السَّاعَةَ» یعنی آنگاه که کار را به دست غیر اهلس سپارند، منتظر رستاخیز باش! (نهج‌الفصاحه، ش ۲۴۶)

■ جلوگیری از دست‌درازی به بیت‌المال

بیت‌المال در جامعه اسلامی به نوعی یک ناموس اجتماعی محسوب می‌شود که هر طور شده باید از دست‌برد راهزنان اجتماعی مصون بماند. حفظ بیت‌المال و استفاده صحیح از آن، یکی از بسترهای زیرساختی برای شکل‌گیری جامعه اسلامی مطلوب و نیز خشتی‌سازی آسیب‌های اجتماعی محسوب می‌شود. در واقع، بحث در این‌جا به دو بخش تقسیم می‌شود: یک: سلامت بیت‌المال و دو: استفاده صحیح و معقول از آن.

■ گردش صحیح اطلاعات

اگر در گردش اطلاعات و مهم‌تر از همه در محتوای اطلاعات اختلالی به‌وجودبیاید و صاحبان ثروت و قدرت با فریب‌گری مسیر انتقال یا شاکله اطلاعات را به نفع خود تغییر دهند، شک نباید کرد که جامعه با فروپاشی روبه‌وی می‌شود و فرصت‌ها

برای ظهور سایر مؤلفه‌های اجتماعی از بین خواهد رفت. با این وصف، جامعه اسلامی مطلوب، جامعه‌ای است که بتواند از محتوا و مسیرهای عبور اطلاعات به نفع عموم مردم صیانت کند و این اتفاق زمانی می‌افتد که اعضای جامعه خطورت گردش اطلاعات و سبهم خود در آن و از همه مهم‌تر، تبعات

■ تربیت عمومی

اگر جامعه‌ای از ظرفیت تولید بهترین قواعد و مقررات اجتماعی نیز برخوردار باشد لکن نتواند اعضای جامعه را بر اساس قواعد و مقررات اجتماعی تربیت کند، آن جامعه عملاً خود را از چندین‌طعم قانون محروم ساخته است. حتی تربیت اجتماعی صحیح می‌تواند اصل قانون‌گرایی را از یک امر حقیقی و مؤثر به امری مصنوعی و کم‌اثر تبدیل کند. بنابراین، جامعه اسلامی مطلوب، جامعه‌ای است که با برخورداری از یک نظام تربیتی کارآمد و سمرات‌گذاری همه‌جانبه در این میدان، از توانایی

تربیت عمومی برخوردار باشد.

■ معنویت

در اینجا معنویت بالمعنی الاخص، یکی از مولید دینداری قلمداد می‌شود. در واقع، چتر دین و بهترین استفاده از آن بر مبنای معنویت با معنی الاعم بالای سر همه مؤلفه‌های جامعه اسلامی مطلوب باز است لکن معنویت بالمعنی الاخص که شامل عبادات مصطلح اعم از فردی و اجتماعی است، خود یکی از مؤلفه‌های زیرساختی محسوب می‌شود که اگر متناسب با فلسفه هر یک از عبادات رشد کند، نه فقط بسترهای لازم را برای شکل‌گیری و رشد سایر مؤلفه‌های جامعه اسلامی مطلوب مهیا می‌کند، بلکه به قوه محرکه و پیشران همه مؤلفه‌های اجتماعی بدل خواهد شد. بنابراین، جامعه اسلامی مطلوب، جامعه‌ای است که معنویت مانند خون در رگ‌های آن در حرکت باشد.

■ سنت‌های خوب

هر جامعه‌ای وارث سنت‌های الاخص، یکی و بد است اما اگر بتواند ضمن به‌انزو آکشاندن سنت‌های بد بد خودش تولیدکننده انواع آسیب‌های اجتماعی است، از سنت‌های خوب و حسنه خود برای ساماندهی اجتماعی استفاده کند، سنت‌های حسنه عملاً بسترهای مساعدی را برای شکل‌گیری سایر مؤلفه‌های اجتماعی ایجاد خواهد کرد.

■ خانواده

حیات خانواد به عنوان سلول بنیادی جامعه نه فقط در شکل‌گیری بلکه در حفظ و رشد یک جامعه نقش منحصربه‌فردی دارد. در حال حاضر، بخش مهمی از آسیب‌های اجتماعی زاییده تضعیف خانواده و کاهش اثرات آن در مناسبات اجتماعی است. بنابراین، در جامعه اسلامی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رضا غلامی، رئیس مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا در آخرین جلسه از درس‌گفتار «اسلام و آسیب‌های اجتماعی» به طرح عناوین مؤلفه‌های زیرساختی جامعه اسلامی پرداخت که در ادامه چکیده‌ای از این مباحث ارائه می‌گردد.

■ امنیت

روشن است که اگر در جامعه‌ای امنیت پایدار نباشد، اساساً فرصت ظهور سایر مؤلفه‌های جامعه مطلوب در آن جامعه فراهم نخواهد شد. بنابراین، از نظر ما امنیت مقدم بر همه چیز، مهم‌ترین عنصر زیرساختی در جامعه اسلامی محسوب می‌شود ضمن اینکه ضعف امنیت خود یکی از موتورهای تولید آسیب به شمار می‌رود.

■ آزادی

آزادی مانند امنیت، یکی از پایه‌ای‌ترین مؤلفه‌های زیرساختی است. نباید تردید کرد در جامعه‌ای که دچار استبداد و خودکامگی است و انسان‌ها

در آن جامعه از انواع بردگی‌ها اعم از فکری، فرهنگی، تکنولوژیکی، سیاسی و اقتصادی رنج می‌کشند، سخن گفتن از جامعه اسلامی مطلوب و سالم بی‌معناست علاوه بر اینکه خود استبداد و خودکامگی، مؤسّد انواع آسیب‌های بزرگ و مخرب است.

■ نظم و قانون

هرچند قانون ضعیف یکی از مناشی آسیب‌های اجتماعی است لکن بی‌قانونی به مراتب بدتر از قانون ضعیف آسیب‌زننده تلقی می‌شود. با این وجود، در جامعه اسلامی مطلوب و سالم، نه فقط باید ساختار قانون از جامع جهات مشرعو، بزرگ، پیشروای اعظم زرتشتیان ۵- مناظره با سلیمان مروزی متکلم مرو پیرامون مسئله توحید و «اراده‌الهی» ۶- مناظره با علی بن محمد بن جهم در مورد مسئله عصمت انبیا ۷- مناظره با عالمان عراق و خراسان در خصوص «عترت» ۸- مناظره در حضور مأمون پیرامون آیات قرآن و نبیود ارائه تمسیر صحیح از آیات ۹- مناظره با گروه‌های غالی(غلوکننده درباره مقام ائمه) و ررداعای ایشان و ۱۰- مناظره با یحیی بن ضحاک در موضوع امامت.

در همه این مناظرات امام رضا(ع) هیچ‌گاه با درشتی و از موضع نهمه‌پسود، از طرفی رواج تفکر معتزلی در دوران مقابل خواست تا به بیان سبائل و ادعای خود بپردازد.

دوران زندگی حضرت رضا(ع) از نظر رواج و تنوع فرقه‌های دینی و مذهبی دوره کم‌نظیری است و گرچه آزادی نسبی در ارائه نظرات صاحبان مکاتب غیرمسلمان، جالش‌هایی را متوجه مسلمانان می‌ساخت، اما در کنار این، ظرفیتی ویژه برای گفت‌وگوی بین دینی و اثبات حقانیت دین اسلام فراهم نموده‌بود. از طرفی رواج تفکر معتزلی در دوران حیات امام رضا(ع) -که برخی مأمون را نیز معتزلی مسلک می‌دانند- جواز تعقل در میانه دین و خردورزی در مسائل کلامی و فلسفی مرتبط با خدانشناسی و هستی‌شناسی را با پرهیز از تعصب افراطی فراهم نموده بود و در چنین فضایی، حضرت ثامن الحجج(ع) از ظرفیت ایجاد شدن، برای تبیین میزان عقلانیت اسلام و مکتب اهل بیت، بهترین استفاده را برد.

مناظره، یکی از بهترین روش‌های تقابل فکری و اثبات حقانیت مدعا است که امام رضا(ع) به روایت تاریخ، مکرراً از این شیوه برای مجاحه با مخالفان استفاده نمود و حتی به تربیت افرادی ماهر در منطق جدلی پرداخت که بتوانند در سایر مناطق نیز به گفت‌وگو با مخالفان بپردازند. تسلط کامل حضرت در این مناظرات و شیوه اثبات حقانیت دین و اصول آن سبب فروماندن مدعیان مناظره از پاسخگویی به حضرت باعث گرویدن هزاران نفر از مسلمانان به دین ایشان گردید، به طوری که فقط در خراسان یکی از فعال‌ترین مراکز ترویج اسلام و تشیع به برکت حضور ایشان شکل گرفت.

از نتایج مناظرات محکم کلامی ایشان و تسلیم همه مناظره‌کنندگان با حضرت در برابر منطق و پاسخ‌های پاسخ ایشان، می‌توان نتیجه گرفت «جدل احسن» همانگونه که در قرآن چندین مرتبه به آن اشاره شده است، یکی از بهترین راه‌ها برای ارائه اندیشه‌های دینی و آموزه‌های مکتبی و ممانعت از شبهات رایج درباره مسائل دینی است که اگر با اصول اخلاقی و علمی که در سیره اهل بیت(ع) نمایش داده شده است، صورت پذیرد، می‌تواند بستری مناسب برای ترویج مذهب و زوددن تفکرات انحرافی باشد؛ به‌طوری‌که نه تنها نباید نسبت به آن غفلت ورزید و از آن دوری گزید، بلکه می‌توان با ترغیب صاحبان مکاتب و اندیشه‌های معارض –که می‌تواند با صاحبان اندیشه‌های مختلف درون مذهبی، درون دینی، میان دینی و حتی برون دینی باشد- اقدام‌سازی فضایی فکری به دور از جنجال و سطحی‌نگری برای بیان نظرات متفاوت، زمینه‌ای برای رشد عقلی مسلمانان فراهم نمود که شاید با هیچ روش دیگری قابل مقایسه نباشد.